

اهمیت تجمعات اعتراضی سراسری معلمان به مناسبت روز معلم در ایران



پنجشنبه ۱۲ اردیبهشت به مناسبت روز معلم در ایران و با فراخوان "شورای هماهنگی تشکلهای فرهنگی ایران"، تجمعاتی در برخی از مراکز استانها و شهرها از جمله تهران، یزد، همدان، کرمانشاه، سقز، مریوان، سنندج، دیواندره، جوانرود، اسلامآباد، الیگودرز، خمینی شهر، ملایر، تبریز، ارومیه، اردبیل، رشت، اصفهان، ملارد، شیراز، ساری، مشهد، اهواز، تربت حیدریه، اراک، کرج، قزوین و... برگزار گردید. در این تجمع معلمان شعارهایی همچون: "درد ما

در صفحه ۳

پرچمی که در اول ماه مه برافراشته شد



اول ماه مه روز جهانی کارگر همواره یکی از عرصه‌های مهم مبارزه طبقه کارگر علیه طبقه سرمایه‌دار و دولت این طبقه بوده است. در تمام دوران چهل ساله حاکمیت جمهوری اسلامی، بهرغم فضای سرکوب و خفقان حاکم بر جامعه و بهرغم محدودیت‌ها، محرومیت‌ها و ممنوعیت‌های متعدد تحمیلی طبقه سرمایه‌دار حاکم بر طبقه کارگر، کارگران ایران روز اول ماه مه را در اشکال گوناگون و متنوعی برگزار نموده و همبستگی طبقاتی خود را با کارگران سراسر جهان اعلام کرده‌اند. اول ماه مه البته بسته به توازن قوا و شرایط سیاسی جامعه و همچنین میزان آگاهی و تشکل کارگران، در اشکال علنی، نیمه مخفی یا مخفی و در ابعاد گسترده، کمتر گسترده یا محدود برگزار شده است. از برگزاری مراسم اول ماه مه در جمع‌های کم‌شمار و محدود در خانه‌ها، سالن‌ها، پارک‌ها و محیط‌های خارج از شهر گرفته تا برگزاری مراسم با جمع‌های وسیع و پرشمار علنی در شکل تجمع و تظاهرات خیابانی. اول ماه مه در اساس روز تظاهرات و اعتراضات خیابانی و نمایش قدرت طبقه کارگر است که معمولاً کارگران آگاه و فعالان سوسیالیست و بخش

در صفحه ۲

گسترش اعتراضات عمومی،

تنها سلاح موثر در توقف اعدام و سرکوب

همزمان با بحرانی تر شدن شرایط کشور برای هیات حاکمه ایران، نیروهای امنیتی و کل دستگاه قضایی جمهوری اسلامی به تشدید سرکوب در جامعه روی آورده اند. حاکمان اسلامی که طی چهاردهه با بگیر و ببند، کشتار و سرکوب و تحمیل یک دیکتاتوری عربیان بر جامعه، عموم توده های مردم ایران را به سلابه کشیده اند، این روزها با تعمیق بحران های متعدد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، شتابزده به تشدید سرکوب متوسل شده‌اند.

اعدام دو نوجوان در شیراز، دستگیری ده ها تن از جوانان فعال و کمک رسان به سیل زدگان خوزستان، بازداشت فله ای ده ها نفر در ارتباط با قتل "مصطفی قاسمی"، آخوند همدانی که صبح روز شنبه هفتم

در صفحه ۵

فرمان "آرایش جنگی" خامنه‌ای در برابر توده‌های مردم

خامنه‌ای در روز ۱۱ اردیبهشت ۹۷، در حضور جمعی از معلمان سخنرانی کرد. او در این سخنرانی، در میان دروغ‌پدازی‌ها و چرندیاتی که بر زبان آورد، از "تهاجم دشمن" گفت. این اولین باری نیست که خامنه‌ای واژه "دشمن" را به کار می‌برد. "دشمن‌هراسی" و "دشمن‌تراشی" همواره محور سخنان و سیاست خامنه‌ای بوده است. وی صدها بار عبارتهایی چون "توطئه دشمن"، "نفوذ سیاسی و اقتصادی و فرهنگی دشمن" و "لزوم "مقابله با دشمن" را تکرار کرده است، به ویژه هنگامی که از بحران‌ها و نابسامانی‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی سخن می‌گوید، پای "دشمن" را به میان می‌آورد تا او را مقصر اصلی جلوه دهد و از خود و مسئولین نظام‌اش رفع مسئولیت کند.

امری که منحصر به خامنه‌ای هم نیست. رژیم جمهوری اسلامی از همان اوان قدرت‌گیری، همچون بسیاری از رژیم های ارتجاعی دیگر کوشیده با "دشمن‌تراشی" صف نیروهای خودی را متحد سازد و طرفداران و ارادل و اوباش حکومتی را در برابر "دشمن" خیالی یا واقعی پشت سر خود به صف کند.

در صفحه ۸

هزینه‌های نظامی کلان
جمهوری اسلامی،
در کشوری با ده‌ها
میلیون فقیر و گرسنه

در صفحه ۱۰

اطلاعیه مشترک نیروهای چپ و کمونیست
در محکومیت دستگیری کارگران و معلمان

در صفحه ۴

خلاصه ای از
اطلاعیه های سازمان

در صفحه ۶

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

پرچمی که در اول ماه مه برافراشته شد



که پرچم مبارزه مستقل طبقه کارگر که در هفت‌تپه به اهتزاز درآمد و کل جامعه را حول خود بسیج کرد، بر زمین افتد و کارگران، بویژه بخش پیشرو طبقه کارگر را لاقفل برای یک دوره خاموش سازد و از عرصه سیاسی جامعه کنار زند. اول ماه مه نشان داد که طبقه کارگر و بخش پیشرو آن نه فقط مطلقاً چنین تصمیمی ندارد، بلکه آرام آرام دارد نقش پیشگامی و پیشتازی خود در مبارزه علیه نظم موجود و رسالتی را که بر عهده اوست، به گوش آحاد مردم می‌رساند به نحوی که این باور و این نقش بی‌بدیل و مهم طبقه کارگر، بطور کامل و همه جانبه در ذهنیت تمام جامعه بنشیند و بیش از پیش مشوق اعتراض خیابانی اقصای زحمتکش و تهیدست علیه نظم موجود شود.

در مراسم اول ماه مه امسال در تهران که مورد یورش وحشیانه ارتجاع هار حاکم قرار گرفت، صدها تن از کارگران، دانشجویان، معلمان، بازنشستگان، زنان و دیگر اقصای زحمتکش و فرودست جامعه شرکت جستند و با شعارها و پارچه نوشته‌هایی که بیان خواست‌های تجمع‌کنندگان بود، بویژه با پلاکارهای بزرگی در گرمی‌داشت اول ماه مه، روز کارگر، روز اتحاد و همبستگی بین‌المللی کارگران علیه سرمایه‌داران را برگزار نمودند.

از جمله خواست‌های تجمع اول ماه مه، می‌توان به آزادی تشکل، تحزب، اعتصاب، راهپیمایی، بیان، عقیده، آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی، به رسمیت شناخته شدن اول ماه مه به عنوان یک روز تعطیل رسمی، آزادی برگزاری مراسم اول ماه مه، افزایش حداقل دستمزد به بالای خط فقر، لغو قراردادهای سفید امضاء و خواست‌های دیگری نام برد که در ۱۴ بند قطعنامه مشترک اول ماه مه سندیکای کارگران شرکت واحد، سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، گروه اتحاد بازنشستگان و کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری منعکس شده است.

در تجمع اول ماه مه، کارگران و سایر اعتراض‌کنندگان در مقابل مجلس با سر دادن شعارهایی چون "نان کار آزادی حق مسلم ماست"، "تشکل تجمع حق مسلم ماست"، "کارگر، معلم، دانشجو اتحاد"، "بیکاری، استثمار، منطق سرمایه‌دار"، "گرانی تورم بلای جان مردم"، "ما همه همبسته‌ایم، از وعده‌ها خسته‌ایم" و شعارهای دیگر از جمله شعارهایی علیه دولت، در برابر یورش نیروهای سرکوب، دست به مقاومت زدند.

در صفحه ۷

واحد سازمان داده یا با حضور فعالان سندیکا در پایانه‌های اتوبوس و باحمل پلاکارد بزرگ و ویژه گرمی‌داشت اول ماه مه و سردادن شعار و پخش شیرینی و کارت تبریک، اول ماه مه را گرمی داشته است. اما هیچ یک از این مراسم‌ها با مراسمی که امسال (۹۸) در برابر مجلس برگزار شد قابل مقایسه نیستند.

ابتکار عمل و جسارت سندیکای کارگران شرکت واحد، آگاهی و موقعیت‌شناسی فعالان این سندیکا، توانایی جلب حمایت کارگران و دیگر زحمتکشان اول ماه مه متفاوتی را رقم زد. اول ماه مه نه فقط توانست دوباره حضور فعال طبقه کارگر در فضای سیاسی جامعه را مطرح و این فضا را تسخیر کند، بلکه همچنین توانست یک حرکت جمعی متشکل از کارگران، دانشجویان، زنان، بازنشستگان و سایر اقصای زحمتکش و تهیدست جامعه را بر محوریت طبقه کارگر رقم زند. در اول ماه مه، جنبش طبقه کارگر بار دیگر در مقیاس سراسری و در مقیاس تمام جامعه ابراز وجود کرد.

ارتجاع حاکم بر این خیال بود که با تشدید سرکوب و وحشیگری علیه کارگران، با احضار فله‌ای کارگران پیشرو فولاد و هفت‌تپه و شرکت واحد به مراکز امنیتی و قضایی، بازداشت‌های گسترده، ارباب و بازجویی‌های فرسایشی و با شکنجه وحشیانه اسماعیل بخشی، علی نجاتی، سپیده قلیان و بالاخره با بریدن حبس‌های بی‌حساب و کتاب طولانی مدت برای فعالان سندیکای کارگران شرکت واحد، می‌تواند کاری کند

پیشروتر طبقه کارگر در سازماندهی، تدارک و برگزاری آن پیشگام و پیشقدم بوده و ابتکار عمل را در دست داشته‌اند.

مراسم اول ماه مه امسال در تهران که با شور و شوق فراوانی تدارک دیده و برگزار شد و شور و شوق فراوان‌تری در جنبش کارگری آفرید، اساساً به ابتکار سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران برنامه‌ریزی و برگزار شد. فراخوانی که سندیکای کارگران شرکت واحد در ۴ اردیبهشت برای برگزاری مراسم اول ماه مه و تجمع در روز چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت ۹۸ (اول ماه مه) در مقابل مجلس، رو به کارگران و رو به تمام جامعه انتشار داد، در سطح گسترده‌ای مورد استقبال کارگران، دانشجویان، معلمان، بازنشستگان، زنان و دیگر گروه‌های اجتماعی قرار گرفت. تقریباً تمام تشکل‌های کارگری و تشکل‌های فعالان کارگری ضمن حمایت از این فراخوان، آمادگی برای شرکت در آن را اعلام نموده و به سهم خود از دیگران نیز برای شرکت در مراسم اول ماه مه دعوت به عمل آوردند. سندیکای مبارز کارگران شرکت واحد البته پیش از این نیز تجمعاتی را در اول ماه مه سازمان داده مراسم‌هایی به همین مناسبت برگزار نموده بود. صرف نظر از مراسم‌های مشترک اول ماه مه با سایر تشکل‌ها، از جمله مراسم مشترک پارک لاله در سال ۸۸ که مورد سرکوب خشونت بار رژیم قرار گرفت، مراسم‌هایی را نیز مستقلاً برگزار نموده است. به‌عنوان نمونه این سندیکا در سال‌های گذشته به مناسبت اول ماه تجمعاتی در برابر دفتر مرکزی شرکت

زنده باد سوسیالیسم

اهمیت تجمعات اعتراضی سراسری معلمان به مناسبت روز معلم در ایران

درد شماس، مردم به ما ملحق شوید"، "حق ما حق شماس، مردم به ما ملحق شوید"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "این همه بی‌عدالتی هرگز ندیده‌ام" سردادند.

یکی از ویژگی‌های مهم این تجمعات اعتراضی، حضور بسیار پر رنگ معلمان و بازنشستگان زن بود که البته در اعتراضات چند ماه اخیر، از جمله تجمعات پیش معلمان اصفهان نیز این مساله کاملاً هویدا بود. یکی دیگر از نکات مهم این تجمعات اعتراضی حضور پر رنگ معلمان در برخی از شهرها از جمله سنج، کرمانشاه، همدان، سقز، مریوان و چند شهر دیگر بود.

پیش از این "شورای هماهنگی" در اطلاعیه خود به تاریخ ۲۹ فروردین ماه خواستار برگزاری تجمع در تاریخ ۱۲ اردیبهشت "روز معلم" از ساعت ۱۰ تا ۱۲ در مراکز استان‌ها در برابر ادارات کل آموزش و پرورش و در شهرستان‌ها در برابر اداره آموزش و پرورش شهرستان شده بود.

"شورای هماهنگی" همچنین در بیانیه خود به مناسبت "هفته معلم" به توصیف شرایط معیشتی معلمان و وضعیت آموزشی کشور پرداخته و خواست‌های معلمان از تجمع ۱۲ اردیبهشت را که به گفته "شورای هماهنگی" در ادامه اعتصابات سراسری و اعتراضات گذشته است، برشمرد. بهینه‌سازی آموزش در مدارس، توقف خصوصی‌سازی آموزش، حق تشکلیابی مستقل، رفع موانع در برابر فعالیت‌های تشکلیابی فرهنگیان، ایجاد بیمه کارآمد برای فرهنگیان، اجرای دقیق مصوبه‌ی نظام پرداخت هماهنگ حقوق، دفاع از حقوق معلمان بخش خصوصی، آزاد و خرید خدمت از جمله خواست‌هایی بود که در بیانیه "شورای هماهنگی" بر آن تاکید شده بود.

در بخشی از این بیانیه آمده بود: "گرانی و تورم زندگی را برای اکثریت زحمتکشان سخت کرده است. حقوق و درآمد معلمان سنجی‌تی با قیمت‌های نجومی ندارد و معلمانی که در گذشته مجبور به کار در شغل دوم و سوم بودند بخاطر بیکاری گسترده باید به اتکاء حقوق ناچیز معلمی از پس هزینه‌های هنگفت برآیند. در یک کلام وضع اقتصادی معلمان اسفناک است و در این میان وضع معلمان آزاد و خرید خدمتی اسفناک‌تر است.

از سوی دیگر اکثریت دانش‌آموزان که از خانواده‌های زحمتکش هستند وضع بهتری از معلمان ندارند و متأسفانه هر روز شاهد گسترش سیاست‌های ضد آموزشی مانند پولی‌سازی و کیفیت‌زدایی از آموزش هستیم. گویی در تمام حکومت‌ها و دولت‌ها وضع معلمان یکسان است و قرار نیست آموزش و پرورش اولویت دولت‌ها باشد.

"شورای هماهنگی" همچنین در بیانیه پایانی تجمع ۱۲ اردیبهشت که در تجمعات این روز از سوی یکی از اعضای کانون‌های صنفی آن شهر در جمع معترضان قرائت گردید، بار دیگر بر خواست‌های معلمان تاکید کرده و اعلام کرد که در صورت عدم تحقق خواست‌های معلمان،

اعتراضات ادامه خواهند داشت. در بخشی از قطعنامه پایانی آمده است: "نگاه تجاری به مدرسه کیفیت آموزشی را به محاق برده است. در قالب برون سپاری آموزش و خرید خدمات آموزشی باندهای مافیایی شکل می‌گیرند و عملاً مدرسه فروشی می‌شود. پولی شدن و خصوصی سازی آموزش برنامه اصلی دولت و مجلس شده است و طرح‌های استثماری چون معلم تمام وقت در جریان است.

حقوق فرهنگیان بازنشسته و شاغل چند برابر زیر خط فقر است. دولت بدهی خود به فرهنگیان را پرداخت نمی‌کند و یک بیمه ورشکسته را به ما تحمیل می‌کند. نهادهای امنیتی مانع تشکلیابی فرهنگیان هستند و فعالان صنفی و معلمان معترض به وضع موجود همچنان در حبس به سر می‌برند و حراست‌ها در پرونده سازی و هیات‌های تخلفات زیر مجموعه وزارتخانه و دولت در صدور احکام علیه فعالان صنفی از قوه قضاییه پیشی می‌گیرند."

در ادامه نیز خواست‌های معلمان شاغل و بازنشسته در ۹ بند مطرح گردید. آزادی فوری و بی‌قید و شرط معلمان زندانی و فعالان صنفی، افزایش حقوق به بالای خط فقر، اصلاح وضعیت بیمه معلمان و بازنشستگان، مشارکت و نظارت بازنشستگان بر صندوق بازنشستگی، آزادی تشکلیابی مستقل، آموزش رایگان و توقف تمامی طرح‌هایی که با آموزش رایگان مغایرت دارند از جمله مهم‌ترین خواست‌هایی است که در قطعنامه پایانی "شورای هماهنگی" آمده است.

خواست‌هایی که معلمان ایران بارها برای تحقق آن‌ها به خیابان‌ها آمده و یا در مدارس دست به اعتصاب زده‌اند، اما این اعتراضات همواره از سوی حاکمیت بی‌پاسخ گذاشته شده است. حسن روحانی و علی خامنه‌ای در سخنان خود در به‌اصطلاح دیدار با جمعی از معلمان در روزهای گذشته، هیچ سخنی از خواست‌های معلمان و وضعیت معلمان بر زبان نیاوردند. روحانی در سخنان روز شنبه خود (۱۴ اردیبهشت) که بعد از تجمعات اعتراضی ۱۲ اردیبهشت بود، نه اشاره‌ای به تجمعات معلمان داشت و نه اشاره‌ای به حمله و دستگیری تعدادی از معلمان. این همه، همان‌طور که معلمان به‌خوبی به آن واقف شده‌اند، به‌خوبی نشان می‌دهد که در حاکمیت نه گویی برای شنیدن خواست‌های معلمان وجود دارد و نه چشمی برای دیدن اعتراضات آن‌ها.

در واقع امر نیز تنها واکنش دستگاه‌های دولتی به اعتراض معلمان، همان حضور نیروهای امنیتی و حراست در تمامی این تجمعات است که در یک نمونه شاهد حمله این اوباشان به تجمع معلمان در تهران، و ضرب و شتم و دستگیری تعدادی از آن‌ها بودیم. این تنها واکنش جمهوری اسلامی به تجمع اعتراضی معلمان بود. در اطلاعیه "شورای هماهنگی" با عنوان "در محکومیت حمله به تجمع روز معلم در تهران" آمده است: "در شهر تهران نیروهای امنیتی و لباس شخصی‌ها با حمله به تجمع کنندگان حداقل نه نفر را بازداشت نموده‌اند. افراد بازنشسته

متأسفانه بصورت غیرانسانی و همراه با خشونت دستگیر و روانه بازداشتگاه گیشا شدند. در این حمله غیرانسانی، آقای محمدتقی فلاحی دبیرکل کانون تهران، آقای رسول بدایعی بازرس کانون تهران و خانم‌ها پروین اسفندیاری، پروین صالحی، شهپر بامداد، نزهت نیستانی و آقای فرامرز خدانشناس از بازنشستگان شریف، دستگیر شدند همچنین دو نفر معلم زن نیز دستگیر شده‌اند که از وضعیت آنها خبری در دست نیست." براساس این اطلاعیه بازنشستگان پس از ساعاتی آزاد شدند اما رسول بدایعی و فلاحی همچنان در بازداشت بسر برده و از وضعیت دو معلم زن بازداشتی نیز خبری در دست نیست.

اگرچه در شهرهای دیگر نیروهای سرکوب به تجمع معلمان حمله نکردند، اما در همه جا حضور پررنگی داشته و از شرکت‌کنندگان در تجمع عکس و فیلم تهیه کردند. در ملارد رئیس اداره به همراه ماموران امنیتی با حضور در جمع معلمان خطاب به معلمان زن می‌گوید "چرا عینک آفتابی زدید؟ برای این‌که شناسایی نشوید؟" که معلمان زن عینک را برداشته و گفتند: "عینک آفتابی به دلیل آفتاب است." اما همین صحبت رئیس اداره آموزش و پرورش ملارد نشانه‌ی جو امنیتی و فشاری است که بر روی معلمان از سوی نیروهای سرکوب وارد می‌شود و همان‌طور که در بیانیه "شورای هماهنگی" آمده، "حراست و هیات تخلفات آموزش و پرورش از قوه قضاییه در این مورد پیشی گرفته‌اند."

یا در یک نمونه دیگر در شهر ملایر، ماموران امنیتی سوار بر یک ماشین ال ۹۰ به محل برگزاری تجمع آمده و شروع به تهیه فیلم و عکس از تجمع‌کنندگان کردند و در همان حال نیروهای سرکوب یک اتوبوس با پلاک نیروهای نظامی برای ترساندن معلمان به محل تجمع آوردند.

اما سواالی که در این‌جا ممکن است برای برخی مطرح باشد، این است که چرا اعتراضات معلمان تاکنون نتیجه‌ای به همراه نداشته و به نظر می‌آید که "تنها حاصل آن دستگیری و زندانی کردن تعدادی از معلمان است؟"

در پاسخ به این سوال باید گفت که اگرچه تنها پاسخ دولت به اعتراضات معلمان، گسیل نیروهای سرکوب و دستگیری و زندانی کردن تعدادی از معلمان بوده است، اما این مبارزات تا همین‌جا نیز در آگاه کردن جامعه، بویژه در میان معلمان، دانش‌آموزان و والدین آن‌ها بسیار موثر بوده است. اگرچه حتا در برخی از شهرها از تعداد شرکت‌کنندگان در تجمع امسال نسبت به سال گذشته کاسته شده و مثلاً در شهر بزرگی همچون رشت براساس گزارشات معلمان شرکت‌کننده، حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر فقط حضور داشتند، و یا باز براساس این گزارشات در سطح کشور تعداد شرکت‌کنندگان حداکثر ۱۵ هزار نفر بوده است، اما باید قبول کرد در شرایط سختی که امروز معلمان با آن درگیر هستند و فضای سنگین امنیتی که به بهانه‌ی تحریم‌های آمریکا نیز تشدید شده است، نمی‌توان انتظار داشت که توده وسیعی از معلمان به یکباره به حرکت درآمده و در این تجمعات اعتراضی شرکت کنند.

اهمیت تجمعات اعتراضی سراسری معلمان به مناسبت روز معلم در ایران

عدم شرکت بخش وسیعی از معلمان، به‌رغم همدلی با شرکت‌کنندگان در این اعتراضات، یکی از مشکلات اعتراضات معلمان در تمامی این سال‌ها بوده است که عوامل متعددی در آن نقش دارند که یکی از آن‌ها ترس از دستگیری و از دست دادن شغل است آن هم در شرایطی که هنوز جامعه در موقعیتی انقلابی قرار ندارد. یکی دیگر از عوامل نقش‌تشنه است، تشکیلی که بتواند توده بیشتری از معلمان را به خود جلب کند، برای مثال یک نمونه از اشکالات تشکیلاتی کنونی حضور بسیار کم رنگ زنان در رهبری تشکیلات صنفی معلمان است. به‌رغم حضور بسیار پر رنگ معلمان زن و پیش‌تازگی آن‌ها در این اعتراضات اما در رهبری تشکیلات صنفی معلمان مناسفانه زنان حضور چندانی ندارند و این یک اشکال مهم است.

اما با همه این‌ها، شکی نیست که باید فعالیت و تلاش کرد تا این جو سرکوب را شکست، و باز شکی نیست که اگر به جای ۱۵ هزار معلم ۱۵۰ هزار معلم به خیابان‌ها بیایند، رژیم نمی‌تواند این‌گونه در سکوت از کنار این اعتراضات بگذرد. اما تجمع اعتراضی ۱۲ اردیبهشت امسال، به‌رغم تمام این مسائل، در شرایط کنونی که رژیم تلاش دارد تا به بهانه‌ی همان تحریم‌ها، همه معضلات و مشکلات جامعه را به گردن تحریم‌ها انداخته و با همین دروغ بزرگ، اساساً مانع شکل‌گیری هرگونه تجمع اعتراضی شده و با هر تجمعی به شکلی وحشیانه برخورد می‌کند، در محدوده‌ی خود یک تجمع اعتراضی موفق بود که باعث شد تا سکوئی سیاه بر جامعه حاکم نگردد. بویژه آن‌که این تجمعات یک روز پس از اول ماه مه و تجمعات اعتراضی کارگران برگزار شد.

در همین روزها شاهد هجوم وحشیانه ماموران انتظامی حتی به مال‌باختگان موسسات اعتباری و بانک‌های ورشکسته بودیم. در همه جا رژیم سعی دارد تا در شرایطی که بحران اقتصادی و سیاسی در حال اوج گرفتن است و رژیم در بیم گسترش اعتراضات توده‌ای و سراسری شدن آن بسر می‌برد، با حاکم کردن جو امنیتی سنگینی، توده‌ها را هراسان، منزوی و خانه‌نشین سازد. در این شرایط است که تجمعات اعتراضی ۱۱ اردیبهشت به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر و ۱۲ اردیبهشت به مناسبت روز جهانی معلم، سیاست رژیم را با چالشی بزرگ روبرو ساخت و مانع بزرگی بر سر راه رژیم برای ایجاد جو سکوت در جامعه ایجاد کرد. اما نکته مهم دیگر تداوم این مبارزات است. از همین امروز باید در تدارک اعتراضات سراسری دیگری بود، اعتراضاتی با حضور بیشتر و گسترده‌تر معلمان، اعتراضاتی با حضور دانش‌آموزان و والدین آن‌ها. نباید بین اعتراضات سراسری معلمان فاصله‌های طولانی بیافتد، پیگیری و تداوم اعتراضات یکی دیگر از عناصر مهم در پیشرفت مبارزات معلمان است. تا آن روز

اطلاعیه مشترک نیروهای چپ و کمونیست در محکومیت دستگیری کارگران و معلمان

صبح روز چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت جمع گسترده کارگران به مناسبت روز کارگر در مقابل مجلس شورای اسلامی مورد یورش وحشیانه نیروهای امنیتی و انتظامی رژیم قرار گرفت. در جریان یورش به این تجمع اعتراضی که به فراخوان تشکیلاتی مستقل کارگری برگزار شده بود و از حمایت دانشجویان و معلمان و بازنشستگان برخوردار بود، ده‌ها نفر دستگیر شدند و مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. تجمع کارگران در حالی مورد یورش قرار گرفت که آنان مانند هم‌طبقه‌های خود در سراسر جهان گرد هم آمده بودند تا در این روز خواسته‌ها و مطالبات خود را فریاد بزنند. شرکت‌کنندگان در این گردهم‌آیی با سر دادن شعارهایی از جمله "کارگر، معلم، دانشجو، اتحاد، اتحاد"، "نان کار آزادی حق مسلم ماست"، "منطق سرمایه دار، بیکاری، استثنان"، "درد ما درد شماسست، مردم به ما ملحق شوید" و "گرانی، تورم، بلای جان مردم" علیه فقر و فلاکت و بیکاری اعتراض کردند.

در روز دوازده اردیبهشت، روز معلم، نیز در جریان تجمع‌های اعتراضی معلمان که ده‌ها شهر ایران را فرا گرفت و طی آن بر خواست آزادی معلمان دربند، افزایش حقوق پایه بالاتر از خط فقر، ایجاد بیمه کارآمد برای فرهنگیان، تحصیل رایگان، پایان دادن به خصوصی‌سازی مدارس، حق برپایی تشکیلات مستقل و... تأکید کردند، چندین تن از معلمان دستگیر و روانه بازداشتگاه شدند.

یورش نیروهای امنیتی و انتظامی به تجمع کارگران در روز اول ماه می و دستگیری ده‌ها تن از کارگران و معلمان در دو روز متوالی بار دیگر نشان داد سرکوب و اراغاب اصلی‌ترین گزینه رژیم جمهوری اسلامی در مقابله با جنبش اعتراضی کارگران و اقشار فرودست جامعه است. رژیم که بنا به ماهیت سرمایه‌دارانه و تنگناهایی که با آن روبرو است قادر به پاسخگویی به مطالبات کارگران و اقشار فرودست جامعه نیست در تلاش است تا با حربه سرکوب و بگیر و ببند فعالین جنبش‌های اجتماعی مانع اعتراضات سازمان‌یافته آنان شود. اما سرکوب و اراغاب و تهدید کارائی گذشته خود را از دست داده‌اند. سرمایه‌داران و دولت حامی آن‌ها کار را به استخوان رسانده‌اند، راه عقب‌نشینی وجود ندارد، باید در جریان تداوم و گسترش مبارزات خود صفوف‌مان را فشرده‌تر و متحدتر کنیم، تشکیلات توده‌ای و طبقاتی خود را برپا داریم و گام به گام ملزومات سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، برچیدن نظام سرمایه‌داری و اداره شورائی جامعه را فراهم آوریم. راه حل کارگران نیز روشن و صریح است «اداره شورائی جامعه» یعنی اعلام این واقعیت که جز با سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی و انتقال قدرت به دست توده‌های کارگر و زحمتکش در شوراها، راه حلی برای برون‌رفت از بحران کنونی به نفع کارگران و زحمتکشان و به نفع آزادی و برابری وجود ندارد. به همین دلیل چهل سال است که تلاش آن‌ها برای تشکیلات و تحزب و اعتصاب و تجمع، به شدت سرکوب می‌شود و تظاهرات روز کارگشان بلافاصله با ضرب و شتم و دستگیری جواب می‌گیرد. وظیفه همه کارگران و کلیه زحمتکشان است که از مبارزات کارگران دفاع کرده و با دست زدن به اعتصابات و تجمعات، خواستار آزادی بی قید و شرط کارگران، معلمان و جوانان دستگیر شده در تجمع‌های اول ماه مه، روز کارگر، و ۱۲ اردیبهشت، روز معلم، و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی شوند.

عمر رژیم جمهوری اسلامی رو به افول است. با رشد آگاهی طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه، سرکوب‌گری‌های رژیم تأثیر و کارائی خود را از دست می‌دهد و تشدید سیاست‌های ارتجاعی و ضدانسانی طبقه حاکم، صفوف کارگران، زحمتکشان، معلمان، دانشجویان و همه توده‌های رنج و کار را متحدتر و قوی‌تر می‌کند. تهاجم به تجمع کارگران، معلمین و بازنشستگان را شدیداً محکوم کنیم. با تمام توان خواستار آزادی بی قید و شرط دستگیرشدگان و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی شویم.

ما از تمامی نیروهای کمونیست و انقلابی خارج از کشور می‌خواهیم در همبستگی و حمایت از اعتراضات کارگران و زحمتکشان ایران، و در محکومیت سرکوب‌گری‌های رژیم و برای آزادی فوری دستگیرشدگان متحداً کارزارهای اعتراضی و حمایتی تدارک ببینند.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد
سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۸

۳ می ۲۰۱۹

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت)، هسته اقلیت

گسترش اعتراضات عمومی، تنها سلاح موثر در توقف اعدام و سرکوب

شهروند دیگر اهوازی که با حضور در کمیته های مردمی در حال خدمت رسانی به سیل زدگان بودند، توسط نیروهای سرکوبگر بازداشت و به مکان نامعلومی انتقال یافته اند.

در واقع از آغاز وقوع سیل در استان خوزستان تا به امروز، ده ها تن از شهروندان و امدادگران مردمی در مناطق مختلف این استان به دلیل اتهامات بی اساسی نظیر "مشارکت در برگزاری اعتراضات خیابانی"، "دریافت کمک های نقدی از خارج کشور برای کمک به سیلزدگان" و نیز "نشر شایعات مربوط به سیل در فضای مجازی" توسط نیروهای امنیتی و سرکوبگر رژیم ارتجاعی حاکم بر ایران بازداشت شده اند.

علاوه بر موارد فوق، در ارتباط با قتل "مصطفی قاسمی" امام جماعت مسجدی در همدان که روز ۷ اردیبهشت با شلیک چند گلوله توسط "بهرز حاجیلویی" به قتل رسید، به رغم اینکه ضارب پیش از اینکه روز بعد در درگیری با نیروی انتظامی کشته شود در صفحه توییتری خود به قتل این آخوند اعتراف کرده بود، باز هم نیروهای امنیتی رژیم برای انتقام گیری از مردم و ایجاد رعب و وحشت در منطقه، ده ها نفری را که در لیست توییتری "بهرز حاجیلویی" بودند و یا اعتراف توییتری او را باز نشر کرده بودند، به اتهام "تبانی" با قاتل دستگیر و تحت پیگرد قرار داده اند.

همه این اقدامات سرکوبگرانه سیستم امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی از اعدام دو نوجوان شیرازی گرفته تا دستگیری امدادگران مردمی، از بازداشت تعداد زیادی از فعالان مدنی و اجتماعی در مناطق سیل زده خوزستان گرفته تا دستگیری ده ها نفر در ارتباط با قتل آخوند همدانی، از تهاجم وحشیانه نیروهای اطلاعاتی رژیم به اجتماع مسالمت آمیز کارگران در روز جهانی کارگر در مقابل مجلس و دستگیری ده ها تن از آنان گرفته تا یورش همه جانبه به تجمعات سراسری معلمان در روز بزرگداشت معلم، حملگی بیانگر یک چیز است و آن اینکه طبقه حاکم و نظام سیاسی پاسدار آن برای برون رفت از بحران های ژرفی که در آن دست و پا می زند، بجز توسل به بگیر و ببند، تشدید سرکوب و ایجاد رعب و وحشت راه دیگری برای تداوم بقاء ننگین خود ندارد.

پرسش اما اینجاست که جمهوری اسلامی با توسل به اینگونه شیوه های وحشیانه آیا می تواند کارگران و عموم توده های مردم را سرکوب و بدین وسیله از ادامه مبارزه و روی آوری به انقلاب بازدارد؟ پاسخ به این

است که طبق مدارک مربوط به سازمان بهزیستی استان فارس و اداره آموزش و پرورش شیراز، مهدی سهرابی فر معلولیت ذهنی داشته و در مدرسه استثنایی تحصیل می کرده است. علاوه بر این، بر اساس نوشته سازمان حقوق بشر ایران، پزشکی قانونی نیز رشد عقلی دو کودک "مجرم" را تایید نکرده بوده است.

سازمان عفو بین الملل که خود انتشار دهنده اولیه خبر اعدام این دو کودک بوده است، با صدور بیانیه ای شدیدالحن این اقدام جنایتکارانه جمهوری اسلامی را به مثابه "تحقیر کامل حقوق مدنی و حقوق کودکان" دانسته و اعلام کرد: بر پیکر این دو نوجوان آثار شلاق مشاهده شده که نشان می دهد آنان پیش از اجرای حکم اعدام شلاق خورده اند.

فیلیپ لوتر، مدیر بخش خاورمیانه و آفریقای شمالی عفو بین الملل نیز با محکومیت اعدام کودکان در جمهوری اسلامی گفته است: "مقامات ایران بار دیگر آمادگی انزجارآور خود را برای کشتن کودکان و نقض قوانین بین المللی حقوق بشر به اثبات رسانده اند. به نظر می رسد که آن ها در کمال بی رحمی این دو پسر نوجوان را برای مدت دو سال از حکم اعدامی که برایشان صادر شده بود، ببخیر نگاه داشته، آن دو را در آخرین لحظات زندگی شان شلاق زده اند و بعد مخفیانه اعدام کرده اند".

توأمان با اعدام این دو نوجوان که با رای بیدادگاه جمهوری اسلامی به جوخه های مرگ سپرده شدند، در روزهای پیش و پس از این واقعه نیز، نیروهای امنیتی و سرکوبگر ارتجاع حاکم با یورش به مناطق سیل زده خوزستان، ده ها تن از فعالان مدنی و امدادگران مردمی را که طی روزهای سیل و ویرانی، یار و کمک رسان سیل زدگان بودند، دستگیر و به مکان های نامعلومی منتقل کرده اند. علاوه بر ۳۰ نفر از امدادگران مردمی و فعالان اجتماعی استان اهواز که در روزهای ۲۴ و ۲۵ فروردین توسط نیروهای امنیتی دستگیر شده بودند، روز چهارشنبه ۲۸ فروردین ماه نیز شهاب صیاحی، حسن ساعدی، عیسی (عارف) سواری و حسن طرفی، چهار تن از اعضای یکی دیگر از ستادهای مردمی امدادسانی در استان خوزستان توسط نیروهای اطلاعاتی رژیم بازداشت شده اند.

در آستانه روز معلم نیز سه تن از معلمان اهوازی به نام های ماهر دسومی، ناجی سواری و علی عیبداوی همراه با یک

اردیبهشت ماه جاری با شلیک چند گلوله توسط "بهرز حاجیلویی" به قتل رسید، یورش وحشیانه به اجتماع مسالمت آمیز ۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگر در مقابل مجلس که دست کم به دستگیری ۴۵ نفر از کارگران، دانشجویان و دیگر فعالان اجتماعی منجر شد و نیز بازداشت و ضرب و شتم تعدادی از معلمان در روزهای پیش از آن و روز برگزاری تجمعات سراسری آنان در ۱۲ اردیبهشت، روز پاسداشت معلم در ایران، همگی بیانگر شکست، ناتوانی و استیصال ارتجاع حاکم در پاسخگویی به انبوه مطالبات سیل زدگان، کارگران، معلمان و عموم توده های زحمتکش است. توده هایی که طی دهه های متمادی به هیچ یک از مطالبات برحق شان پاسخ داده نشده و اکنون برای رهایی از وضعیت فلاکت بار موجود با عزمی راسخ به اعتراض و برپایی تجمعات خیابانی بپا خاسته اند. در این میان، هیات حاکمه ایران نیز که از مدت ها پیش در تمام عرصه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با شکست خفت بار مواجه شده است و با وقوع سیل ویرانگر در اغلب استان های ایران نیز اکنون دیگر تثت رسوایی اش از بام به زیر افتاده و صدای بی کفایتی آنان در هر کوی و برزن به ارتعاش درآمده است، برای برون رفت از وضعیت موجود به تشدید سرکوب در جامعه روی آورده است.

اعدام مخفیانه و جنایتکارانه دو نوجوان ۱۷ ساله در زندان مرکزی شیراز، خود یک نمونه آشکار از اقدامات ضد انسانی این رژیم مستبد و آدمکش در تداوم اعدام کودکان است.

طبق گزارش عفو بین الملل، سحرگاه روز پنجشنبه پنجم اردیبهشت ماه جاری (۲۵ آوریل ۲۰۱۹)، دو نوجوان شیرازی به نام های مهدی سهرابی فر و امین صداقت در زندان عادل آباد شیراز اعدام شدند. اعدام این دو نوجوان که در سن ۱۵ سالگی به "اتهام تجاوز در حین سرقت" بازداشت شده بودند و هفته پیش به صورت مخفیانه در زندان مرکزی شیراز اعدام شدند، موجی از انزجار و نفرت را در عرصه داخلی و بین المللی برانگیخت. خبر اعدام این دو نوجوان، یک روز پس از اجرای حکم اعدام آنان به خانواده های شان اطلاع داده شد. آنهم زمانی که طی تماس با خانواده ها به آن ها گفته شد که بیابند جسد فرزندان شان را تحویل بگیرند.

اعدام این دو تن در شرایطی صورت گرفته

گسترش اعتراضات عمومی، تنها سلاح موثر در توقف اعدام و سرکوب

سؤال قطعاً منفی است.

هیات حاکمه ایران با تشدید سرکوب و اعمال بگیر و ببند در جامعه، ممکن است چند صباحی وقوع انقلاب اجتماعی و سرنگونی محتوم خود را به تأخیر اندازد، ولی هرگز قادر نخواهد بود با توسل به اینگونه اقدامات وحشیانه، کارگران و عموم توده‌ها را زحمتکش ایران را منکوب و اراده آنان را در حرکت به سوی وقوع یک انقلاب اجتماعی باز دارد. چرا؟

اکنون دیگر بر کسی پوشیده نیست که توسل به اینگونه اقدامات سرکوب‌گرانه و تشدید بگیر و ببند آنهم در شرایطی که یک دوران انقلابی در جامعه شکل گرفته است و توده‌های مردم ایران با یک روحیه انقلابی در کف خیابان‌ها حضور یافته‌اند، دیگر ره به جایی نخواهد برد. این واقعیت ملموس هم اینک در گسترش روزافزون مبارزات کارگران، معلمان، زنان، جوانان، بیکاران، بازنشستگان و دیگر اقشار توده‌های زحمتکش به عینه آشکار شده است. اینکه اعمال سیاست سرکوب و ایجاد رعب و وحشت در بحران انقلابی موجود کارکرد پیشین خود را از دست داده است، دیگر یک شعار نیست، بلکه واقعیتی غیر قابل انکار است. شکست این سیاست هم اینک در جسارت روبه‌رشد مبارزاتی کارگران، زنان، معلمان و عموم توده‌های مردم ایران بازتاب یافته است.

پوشیده نیست که طبقه حاکم با تشدید سرکوب و اعمال اینگونه اقدامات وحشیانه، آخرین تلاش‌های مذبح‌خانه خود را برای بقاء و استمرار حیات ننگین خود، به کار گرفته است.

تشدید سرکوب و دستگیری‌های گسترده در هفته‌های اخیر، ایجاد جو پلیسی در شهرهای مختلف ایران و بی‌اثر بودن اینگونه اقدامات سرکوب‌گرانه در روند مبارزاتی مردم ایران، آشکارا گویای بالا رفتن روحیه مبارزاتی توده‌ها و نگرانی طبقه حاکم از وضعیت نابسامان و بهم‌ریخته جمهوری اسلامی در تمام عرصه‌ها: سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. هراس آنان از همگانی شدن اعتراضات کارگران، زنان، معلمان و عموم توده‌های ستمدیده‌ای است که در زیر حاکمیت ارتجاع اسلامی جانشان به لب رسیده و اینک بجز زنجیرهای اسارت و بندگی، چیز دیگری برای از دست دادن ندارند. این وحشت و هراس طبقه حاکم، بیش از هر چیز در سخنان اخیر خامنه‌ای که همه ارگان‌های رژیم را به گرفتن "آرایش جنگی" دعوت کرد، نمایان شده است. تردیدی نیست که درخواست خامنه‌ای از نیروهای رژیم برای گرفتن "آرایش جنگی" پیش از آنکه در مقابل "دشمن" خارجی باشد، دعوت و تشویق آنان به تشدید بازهم بیشتر سیاست سرکوب در جامعه است.

پوشیده نیست که راه مقابله با این سیاست تهاجمی و تشدید سرکوب جمهوری اسلامی برای توده‌های مردم ایران نیز بسته نیست. گسترش مبارزه، حضور فعال توده‌ها و فعالین اجتماعی در مبارزه علیه رژیم ستمگر حاکم، همگانی شدن اعتصابات کارگری و سرتاسری شدن اعتراضات توده‌ای در اقصا نقاط کشور تنها راه موثر عقب‌راندن هیات حاکمه ایران از سرکوب و اعدام است.

خلاصه‌ای از اطلاعیه‌های سازمان

"یورش وحشیانه به مراسم اول ماه مه را محکوم می‌کنیم، همه بازداشت شدگان بیدرنگ و بی‌قید و شرط باید آزاد شوند"

عنوان اطلاعیه‌ای است که سازمان در ارتباط با تجمع کارگران در روز یازده اردیبهشت (اول ماه مه) در مقابل مجلس و یورش وحشیانه نیروهای سرکوب رژیم به این تجمع انتشار داد. در این اطلاعیه چنین آمده است:

امروز چهارشنبه یازده اردیبهشت ۹۸، تجمع مسالمت‌آمیز کارگران در برابر مجلس، به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر مورد یورش وحشیانه نیروهای سرکوب رژیم قرار گرفت.

به دنبال فراخوانی که از سوی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران برای برگزاری مراسم اول ماه مه صادر شد و مورد استقبال کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و سایر زحمتکشان قرار گرفت، روز چهارشنبه اول ماه مه (یازده اردیبهشت) جمعیت زیادی از کارگران و زحمتکشان با شعارها و پلاکارد های ویژه گرامی‌داشت روز جهانی کارگر در برابر مجلس دست به تجمع زدند. "در ادامه اطلاعیه ضمن اشاره به وحشت رژیم از آگاهی، تشکل، تجمع و مبارزات طبقه کارگر به ویژه در اول ماه مه و حضور پررنگ نیروی انتظامی و لباس شخصی‌ها در محل تجمع می‌نویسد: "هنوز نیم ساعت از تجمع اعتراضی کارگران و زحمتکشان نگذشته بود که نیروی سرکوب انتظامی همراه با لباس شخصی‌های مزدور حکومت، باخسونت و وحشی‌گری صفوف کارگران و اعتراض‌کنندگان را مورد یورش قرارداد و به ضرب و شتم شدید آنان پرداختند. "در ادامه اطلاعیه به شعارهای کارگران مانند "اعتصاب، تجمع، تشکل - حق مسلم ماست"، "نان کار آزادی حق مسلم ماست"، "بیکاری استثمار - منطق سرمایه دار"، "گرانی، تورم - بلای جان مردم"، "کار کار کار - این است شعار بیکار"، "ما همه همبسته ایم - از وعده‌ها خسته ایم" اشاره شده و گفته شده است: "کارگران و سایر اعتراض‌کنندگان، در برابر مرتجعین سرکوبگر که قصد دستگیری و بازداشت تجمع‌کنندگان را داشتند، مقاومت نموده و سپس به سمت مترو دست به راه‌پیمایی زدند" در پایان ضمن اشاره به دستگیری ده‌ها تن از تجمع‌کنندگان چنین آمده است:

سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن تأکید بر این موضوع که تشکل، اعتصاب و تجمع از جمله تجمع و برگزاری مراسم در اول ماه مه از حقوق اولیه و مسلم کارگران است، یورش وحشیانه به مراسم اول ماه مه را قویاً محکوم می‌کند. سازمان فدائیان (اقلیت) ضرب و شتم و بازداشت کارگران و سایر حاضران در مراسم اول ماه مه را نیز به شدت محکوم می‌کند و خواهان آزادی بیدرنگ و بی‌قید و شرط همه بازداشت‌شدگان است.



زنده باد سوسیالیسم!

کارگران و زحمتکشان!

سازمان فدائیان (اقلیت) یک سازمان کمونیستی و کارگری است که برای برانداختن نظام سرمایه‌داری و استقرار یک نظام کمونیستی، متشکل از انسانهای آزاد و برابر، از طریق یک انقلاب اجتماعی مبارزه میکند. به صفوف سازمان فدائیان (اقلیت) بپیوندید.

کار - نان - آزادی - حکومت شورایی

پرچمی که در اول ماه مه برافراشته شد



محیطها و بر جنبش کارگری مسلط سازد و جنبش طبقه کارگر را به عقب بازگرداند.

اول ماه مه اما تمام این تلاش‌های مذبحانه را خنثا و نقشه شوم طبقه حاکم را نقش بر آب ساخت. نقش مهم و غیرقابل انکار سندیکای مبارز کارگران شرکت واحد و کارگران این شرکت به عنوان یکی از بخش‌های پیشرو طبقه کارگر در برافراشتن پرچم اول ماه مه و در هم ریختن و فروپاشاندن کاخ‌های خیالی طبقه حاکم را هیچ‌کس نمی‌تواند انکار کند. سندیکای کارگران شرکت واحد، نه فقط در انتشار فراخوان و تدارک و سازماندهی اول ماه مه و برگزاری آن نقش مهم و منحصر به فردی ایفا کرد، بلکه در وقایع بعد از آن و اطلاع‌رسانی و پیگیری جریان دستگیری‌ها نیز نقش فعالی ایفا کرد.

اقدام و ابتکار جالب سندیکای کارگران شرکت واحد در فراخوان برگزاری علنی و خیابانی مراسم اول ماه مه، حمایت و پشتیبانی وسیع کارگران و زحمتکشان از این ابتکار عمل، بار دیگر نشان داد که نیازهای لحظه فعلی مبارزه تا چه حد کارگران و زحمتکشان را به هم نزدیک ساخته است. پرچمی که در اول ماه مه به اهتزاز درآمد نشان داد هر آینه طبقه کارگر درفش مبارزه را برافرازد، سایر زحمتکشان از آن استقبال نموده و با ذوق شوق و امید، برگرد آن حلقه خواهند زد و این چیزی نیست مگر مُحرز بودن جایگاه طبقه کارگر در رهبری انقلاب.



تأثیرات خود را نیز بر جنبش کارگری و کل جنبش‌های اعتراضی بر جای گذاشت. طبقه کارگر حضور خود در اول ماه مه را با حضور خیابانی و متشکل و فشرده بخش پیشرو طبقه کارگر اعلام کرد. در اول ماه مه یکبار دیگر اتحاد شورانگیزی از کارگران و زحمتکشان همراه و حامی طبقه کارگر رقم خورد. طبقه حاکم که همیشه از اعتراضات کارگری و توده‌ای بویژه از نوع خیابانی آن وحشت داشته است و در اعتصابات و اعتراضات خیابانی فولاد و هفت‌تپه، بویژه گردآمدن سایر زحمتکشان حول شعارهای کارگران این واحدها و پرچم شوراها که در هفت‌تپه به اهتزاز درآمد، زخم بسیار عمیقی برداشته است، با خشونت و وحشیگری فزون از حدی به سرکوب اول ماه مه پرداخت. اما مراسم برجسته اول ماه مه تهران تأثیرات خود را بر جای گذاشت.

اگر چه برجسته‌ترین و تأثیرگذارترین مراسم اول ماه مه امسال، مراسم تهران در شکل تجمع در مقابل مجلس بود، اما هم در تهران و هم در برخی استان‌ها و شهرهای دیگر از جمله گیلان، مریوان، سقز و سنندج نیز مراسم اول ماه مه در اشکالی گوناگون برگزار گردید.

در سنندج روز دهم اردیبهشت، تعداد قابل توجهی از کارگران و فعالان کارگری و اجتماعی با پرچم‌ها و پلاکاردهای سرخ وارد خیابان‌ها شدند. در مراسم اول ماه مه سنندج دو پلاکارد بزرگ با عنوان "کارگر زندانی آزاد باید گردد" و "کار، نان، آزادی" حمل می‌شد و اعتراض کنندگان با سردادن شعار "کارگر کارگر اتحاد اتحاد" و راهپیمایی خیابانی روز جهانی کارگر را گرمی داشتند.

جمعبندی به دنبال رشد آگاهی و سازمان‌یابی در صفوف کارگران و پیشرفت‌های چشمگیر جنبش طبقاتی کارگران در سال گذشته که بطور عمده در مبارزات و اعتراضات خیابانی کارگران هپکو، فولاد و هفت‌تپه تجلی یافت، طبقه حاکم و رژیم سیاسی پاسدار منافع آن در هراس از اعتلاء روزافزون جنبش طبقه کارگر، سرکوب خشونت‌آمیز علیه کارگران و فعالان این واحدها را تشدید کرد. احضار و بازداشت و ضرب و شتم و بازجویی و ارباب‌دها کارگر پیشرو در این واحدها، شکنجه وحشیانه اسماعیل بخشی نماینده کارگران هفت‌تپه، آن‌گاه توسل به اعتراف‌گیری‌های اجباری در زیر شکنجه و مستندسازی‌های قلابی و ساختگی، همه بدین منظور بود که فضای وحشت‌آمیز توأم با انفعالی را بر

اما نیروهای انتظامی و لباس شخصی‌های مزدور حکومت، با یورش وحشیانه به صفوف تجمع کنندگان، ضمن ضرب و شتم و ضربات مشت و لگد و باتوم، دست کم ۳۵ نفر را دستگیر کردند. دستگیر شدگان نخست به بازداشتگاه گیشا، سپس بازداشتگاه وزرا و در نهایت به زندان اوین و زندان قرچک منتقل شدند. رضا شهبانی و حسن سعیدی از اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفته و به سلول انفرادی بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شدند. توحش مزدوران سرمایه علیه کارگران و شدت سرکوب و جراحات وارده به وحید فریدونی عضو سندیکای کارگران شرکت واحد به حدی بوده که نام برده به یکی از مراکز درمانی منتقل و در آن بستری می‌شود. پنج تن دیگر از اعضای سندیکا، ۹ دانشجو، دو عضو کانون نویسندگان ایران، چند فعال کارگری و چندین نفر دیگر از جمله چند تن از زنان مبارز و فعال حقوق اجتماعی در میان بازداشت شدگان هستند. زنان بازداشتی به زندان قرچک و مردان به زندان اوین منتقل شدند.

تجمعات اعتراضی و مراجعه خانواده دستگیرشده‌ها در روزهای بعد برای کسب اطلاع از بستگان خود نیز مورد یورش قرار گرفته و شمار دیگری بازداشتی در پی داشت. تمام پاسخ‌های مقامات حکومتی و زندان، سربالا و معطوف به سروانندن خانواده‌ها بوده است. برای برخی از دستگیرشدگان ۳۰ روز بازداشت موقت و برخی دیگر از ۵۰ تا ۲۰۰ میلیون تومان قرار کفالت صادر شده است. درحالی که سندیکای کارگران شرکت واحد، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و سایر تشکل‌ها دستگیری ده‌ها تن از تجمع کنندگان اول ماه مه را محکوم نموده و خواستار آزادی آن‌ها شده اند و درحالی که برخی اتحادیه‌های کارگری کشورهای اروپائی از جمله کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری نروژ، پلاتفرم سندیکاهای کارگری سوئد-ایران و اتحادیه معلمان انگلستان نیز در موضع‌گیری‌ها و ارسال نامه به خامنه‌ای و روحانی، خواستار آزادی دستگیر شدگان اول ماه مه شده اند، اما تا امروز یکشنبه ۱۵ اردیبهشت، جز تعدادی که بطور موقت آزاد شده اند، اغلب دستگیرشدگان همچنان در بازداشت بسر می‌برند.

اما به‌رغم همه این سرکوب‌ها و وحشی‌گری‌ها، اول ماه مه تهران با فراخوان مستقل سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، با موفقیت برگزار شد و

فرمان "آرایش جنگی" خامنه‌ای در برابر توده‌های مردم

هرچند، خامنه‌ای، به ویژه در سالیان اخیر، در این زمینه گوی سبقت را از همه ربوده است.

اما این بار پس از مقدمه‌چینی اولیه هشدار می‌دهد: "آرایش دشمن، آرایش جنگی است". این اولین باری است که او عبارت "آرایش جنگی" را به کار می‌برد و آن را چنین توصیف می‌کند: "از لحاظ اقتصادی آرایش جنگی گرفته؛ فقط از لحاظ نظامی علی‌الظاهر آرایش جنگی ندارد که آن هم البته حواس نظامی‌های ما جمع است؛ همان طور که عرض کردم از لحاظ فضای مجازی آرایش جنگی گرفته در مقابل این دشمنی که آرایش جنگی در مقابل ملت ایران گرفته، ملت ایران بایستی آرایش مناسب بگیرد، باید خودش را آماده کند در همی بخش‌های مختلف."

خامنه‌ای به خوبی می‌داند به‌رغم تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی و سیاسی، در حال حاضر، طرح حمله نظامی به ایران در دستور کار آمریکا و متحدانش قرار ندارد و هدف آمریکا از فشارهای اقتصادی کشاندن جمهوری اسلامی به پای میز مذاکره و گرفتن امتیازاتی از آن است و نه براندازی جمهوری اسلامی. پس، آگاهانه به تفاوت میان "آرایش جنگی" و "آرایش نظامی" اشاره می‌کند و می‌پذیرد که "آرایش جنگی دشمن" شامل "آرایش نظامی" نمی‌شود. گو آن که در سال ۹۷ نیز کسانی را که از احتمال برخورد نظامی صحبت می‌کردند "یادی استکبار" خواند. از آن گذشته سران جمهوری اسلامی نیز به "توان" نظامی یا ناتوانی نظامی خود در برابر آمریکا واقفند و به‌رغم مجادلات لفظی بارها نشان داده‌اند که قصد تحریک آمریکا و متحدانش به حمله نظامی را ندارند. چنان که با وجود خروج آمریکا از توافقنامه برجام، "ورق پاره" برجام را نسوزاندند، به گفته آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تعهداتشان در برجام پای‌بند بوده‌اند و در برابر حملات اسرائیل به نیروها و مواضع جمهوری اسلامی در سوریه عکس‌العملی نشان نداده‌اند. از آن گذشته، بارها شاهد بوده‌ایم در اوج رجزخوانی‌ها، جمهوری اسلامی پشت پرده مشغول چانه‌زنی و تدارک مقدمات مذاکره بوده است و سرانجام نیز، به "نرزشی قهرمانانه" تن داده است. به جز شایعات گوناگون درباره مذاکرات مخفیانه یا تدارک این مذاکرات میان جمهوری اسلامی و آمریکا، در ماه آوریل ظریف در مصاحبه‌ای گفت که شش ماه پیش از سوی جمهوری اسلامی پیشنهاد مبادله زندانیان

میان ایران و آمریکا داده شده بود که آمریکا به آن وقعی نگذاشت.

اما، راه حل خامنه‌ای برای مقابله با "آرایش جنگی دشمن"، مخاطبین و هویت "دشمن" را بر ملا می‌کند. او می‌گوید: "و یکی از اساسی‌ترین کارها حفظ اتحاد و وحدت کلمه است. اتحاد ملت مراقب باشند به خاطر اختلاف نظرهای کوچک و اختلاف سلیقه‌های کوچک، در مقابل هم قرار نگیرند." این توصیه که به "اختلاف‌نظرهای کوچک و اختلاف سلیقه‌های کوچک" اشاره می‌شود، نشان می‌دهد، اولاً، مخاطب خامنه‌ای، جناح‌ها و هواداران رژیم است که طبق معمول قیای ژنده "ملت ایران" بر تن آنان پوشانده شده است. ثانیاً، "دشمنی" که لازم است در برابرش "آرایش مناسب" یا به عبارت دقیق‌تر "آرایش جنگی" گرفت، توده‌های کارگر و زحمتکشی هستند که در خیابان‌ها فریاد برمی‌آورند: "دشمن ما همین جاست." و سران رژیم نیز به خوبی پیام توده‌های مردم را دریافته‌اند.

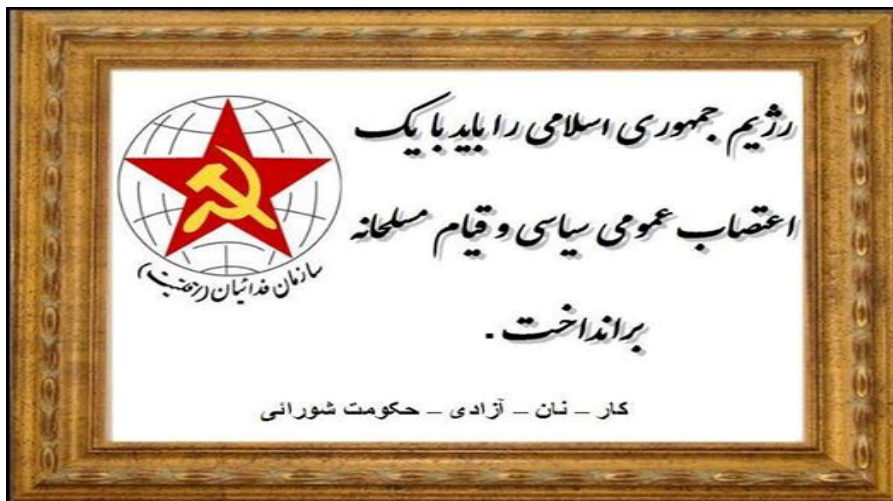
به دنبال خامنه‌ای سران ریز و درشت رژیم ردیف شدند تا این فرمان را تفسیر کرده و به اجرا درآورند. علم‌الهدی، امام جمعه مشهد، یکی از امام‌های جمعه‌ایست که در خطبه‌های خود "نیروهای دشمن" را شناساند. او در بخشی از سخنان خود گفت: "حواس‌تون باشه، آمریکا و انگلیسی که آرایش جنگی در مقابل ما گرفتند، آرایش جنگی اونا این نیست که از دروازه‌های مملکت ما سرباز وارد کنند... آرایش جنگی با نیروهایی گرفتند که می‌توانند علیه انقلاب بار بیارند و آن‌ها را به جان انقلاب بیاندازند. امیدشان به این نسلی است که امروز داره تو عرصه میاد." عبدالرحیم موسوی، فرمانده کل ارتش، نیز از نیروهای ارتش خواست تا آمادگی خود را به سطح "شب حمله" برسانند. با توجه به آن که سران جمهوری

اسلامی از جمله ظریف نیز اذعان کرده‌اند که دولت ترامپ در حال حاضر به دنبال جنگ با ایران نیست، "آمادگی تا سطح شب حمله" را می‌توان به آمادگی برای مقابله با "دشمنی" بالقوه‌تر تعبیر کرد. دشمنی که نه در خارج از مرزها، بلکه در داخل کشور حضور دارد.

با آن که سران رژیم و نیروهای سرکوبش، بیش از چهار دهه است که در برابر توده‌های مردم "آرایش جنگی" به خود گرفته و از هیچ‌گونه سرکوب و بگیروببندی خودداری نکرده‌اند، اما اکنون وقیحانه و علنی فرمان "آرایش جنگی" و جنگ علیه توده‌ها را صادر می‌کنند. فرمانی که همان روز ۱۱ اردیبهشت، یعنی روز جهانی کارگر و فردای آن، ۱۲ اردیبهشت در روز معلم، به دستگیری ده‌ها تن و ضرب و شتم کارگران و معلمان و دانشجویان انجامید.

علت نیز، استمرار و اوج‌گیری مبارزات کارگران و زحمتکشان، به ویژه از دی ماه ۹۶، است که بحران سیاسی ایران را به یک بحران انقلابی بدل کرده است و به‌رغم تمام سرکوب‌ها، استمرار یافته و هر روز توده‌های بیش‌تری را به میدان پیکار علیه جمهوری اسلامی کشانده است و خواهد کشاند چرا که جمهوری اسلامی نه تنها قادر به پاسخگویی به مطالبات و خواسته‌های توده‌های مردم نیست، بلکه اراده‌ای نیز برای آن ندارد. پس می‌کوشد با القای "وضعیت جنگی" و به این بهانه بر دامنه سرکوب بیفزاید و رعب و وحشت را در میان توده‌های مردم بپراکند.

تنها راه مقابله کارگران و زحمتکشان با "آرایش جنگی دشمن" یعنی رژیم جمهوری اسلامی، تشدید اعتراضات و اعتصابات است. به این ترتیب، هم هزینه سرکوب برای رژیم بالا می‌رود و هم در صورت ادامه و گسترش مبارزات است که رژیم جمهوری اسلامی سرنگون می‌شود و توده‌های مردم می‌توانند با برقراری حکومت شورایی، از رفاه و آزادی برخوردار شوند.



هزینه‌های نظامی کلان جمهوری اسلامی، در کشوری با ده‌ها میلیون فقیر و گرسنه

کمک های مالی

سونیس

۳۰ فرانک	علی‌اکبر صفایی فراهانی
۴۰ فرانک	سیامک اسدیان (اسکندر)
۳۰ فرانک	حمید اشرف
۵۰ فرانک	محمد کاسه‌چی
۵۰ فرانک	امیر نبوی

دانمارک

۲۰۰ کرون	هوشنگ احمدی
۲۰۰ کرون	دکتر نریمسا
۲۰۰ کرون	خروش (مه)

سوئد

۳۰۰ کرون	سوسیالیسم و آزادی
----------	-------------------

قرار گرفته است که ارزش صادرات تسلیحاتی این کشور به ۱۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ رسید. آژانس صادرات تسلیحات روسیه در بیانیه‌ای اعلام کرد: در سال ۲۰۱۸ برای بیش از ۳۰ کشور سلاح و تجهیزات نظامی تأمین کرده و بیش از ۱۱۰۰ قرارداد به مبلغ کلی نزدیک به ۱۹ میلیارد دلار امضا کرده است.

موسسه تحقیقات بین‌المللی صلح استکهلم در ۲۹ ماه آوریل نیز گزارشی از هزینه‌های نظامی جهان را در سال ۲۰۱۸ انتشار داد که با افزایش ۶ / ۲ درصدی نسبت سال قبل از آن، به رقم ۱۸۲۲ میلیارد دلار (۸ / ۱ تریلیون) رسید.

ایران در این لیست با هزینه نظامی ۱۳ میلیارد و ۱۹۴ میلیون دلار در جایگاه هیجدهم قرار گرفته است. متوسط هزینه‌های نظامی رسمی جمهوری اسلامی، در چند سال اخیر، بر طبق ارزیابی مؤسسات بین‌المللی دیگر، سالانه ۱۵ میلیارد دلار بوده است. نکته اما این است که گزارش‌های سیبری بر اساس منابع رسمی دولت‌ها ارائه می‌شود. اگر آمار و ارقام ارائه‌شده در گزارش‌های این موسسه، در مورد کشورهای که از آن‌ها به نام دموکراسی‌های پارلمانی نام برده می‌شود، دقیق است، در مورد کشورهای امثال ایران مطلقاً صادق نیست. در ایران رقمی که در بودجه سالانه به‌عنوان بودجه ارگان‌های نظامی ذکر می‌شود، تنها بخشی از بودجه نظامی جمهوری اسلامی است. در جمهوری اسلامی همواره یک بخش مخفی بودجه وجود دارد که صرف هزینه‌های نظامی-امنیتی می‌شود. پوشیده نیست که در طول سال‌های گذشته همواره مبالغ کلانی صرف هزینه‌های نظامی جمهوری اسلامی در سوریه، لبنان، یمن، عراق، فلسطین و گروه‌های اسلام‌گرای دیگر کشورهای جهان شده است، اما هرگز ردیف خاصی در بودجه‌های سالانه به آن‌ها اختصاص داده نشده است. علاوه بر این، ارگان‌های نظامی رژیم به‌ویژه سپاه پاسداران هم‌ساله میلیاردها دلار سود از طریق مالکیت بر مؤسسات متعدد تولیدی از جمله، پتروشیمی، نفت، گاز، یا شرکت‌های مالی و خدماتی متعدد به‌ویژه برای صادرات و واردات، سلطه انحصاری بر اجرای پروژه‌های عمرانی و حتی صادرات و واردات کالاهای قاچاق، عاید خود می‌سازند، که این مبلغ کلان نیز بخشی از هزینه‌های آن‌ها را تشکیل می‌دهد. این‌ها ارقامی است که در محاسبات سیبری به‌حساب نمی‌آیند. اگر مجموع این درآمدها و بودجه‌های مخفی که در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد، در نظر گرفته شوند، هزینه‌های نظامی جمهوری به حدود ۲۰ میلیارد دلار در هر سال خواهد رسید و در ردیف ۱۵ کشور نخست جهان از نظر هزینه‌های نظامی قرار خواهد گرفت. اما اگر حتی آمار رسمی سیبری را در نظر بگیریم، علت چیست که هزینه‌های نظامی جمهوری اسلامی در میان ۲۰۵ کشور جهان چنان بالاست که در هجدهمین ردیف لیست سیبری قرار گرفته است؟

روشن است که جمهوری اسلامی نه قدرت اقتصادی کشورهایی از نمونه آمریکا، چین،

روسیه، فرانسه و آلمان را دارد که این هزینه‌های هنگفت نظامی را بر عهده گیرد و نه حتی قدرت مالی کشورهایی از نمونه عربستان و دیگر سلاطین و شیوخ منطقه خلیج‌فارس که می‌توانند در محدوده‌های معاش روزمره مردم کشورشان را تأمین می‌کنند و مبالغ کلانی هم برای حفظ موجودیتشان، به هزینه‌های نظامی اختصاص می‌دهند. واقعیت این است که جمهوری اسلامی هزینه‌های نظامی خود را از طریق زدن جیب توده‌های مردم ایران و به بهای فقر و گرسنگی آن‌ها تأمین می‌کند. اما آنچه جمهوری اسلامی را واداشته که این مخارج نظامی هنگفت را به توده‌های زحمتکش مردم ایران تحمیل کند، نخست در این است که رژیم جمهوری اسلامی یک رژیم استبدادی است که با موج وسیعی از نارضایتی و اعتراض روبه‌روست. بحران‌های متعددی که با آن‌ها مواجه است، در چند سال اخیر مدام ژرف‌تر شده‌اند و از آنجایی که هر لحظه با خطر انفجار نارضایتی توده‌ای و سرنگونی مواجه است، برای حفظ موجودیت خود، مدام نیروهای نظامی سرکوب را تقویت و هزینه‌های آن را افزایش می‌دهد. عامل دیگر در اختصاص این هزینه‌های نظامی کلان، این است که رژیم جمهوری اسلامی یک رژیم توسعه‌طلب پان‌اسلامیست است که علاوه بر تلاش برای ایجاد رژیم‌های دست‌نشانده اسلام‌گرای شیعه در منطقه، برای کسب هژمونی منطقه‌ای نیز تلاش می‌کند. پیشبرد این سیاست توسعه‌طلبانه، نیاز به تقویت نیروهای مسلح و افزایش مداوم هزینه‌های نظامی دارد. بنابراین، حتی اگر همچون سال جاری یا سال گذشته، به علت ژرف‌تر شدن بحران اقتصادی و تحریم‌ها، ناگزیر به کاهش هزینه‌های بودجه سالانه می‌شود، این کاهش هزینه‌ها شامل نیروهای نظامی، پلیسی و امنیتی نمی‌شود و همان‌گونه که تاکنون دیده‌ایم هم‌ساله یک و نیم تا دو میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی که گویا در تملک شخصی خامنه‌ای است، تحت عنوان تقویت بنیه دفاعی به آن‌ها داده می‌شود. تمام بار به‌اصطلاح ریاضت را هم بر دوش کارگران و زحمتکشان می‌اندازد. اما این هزینه‌های نظامی از کجا تأمین می‌شوند؟

روشن است که در وهله نخست از درآمد نفتی که کارگران تولید می‌کنند و ظاهراً باید به‌عنوان اصلی‌ترین منبع درآمد کشور، صرف رفاه مردم و تاسیسات زیربنایی کشور گردد. اما آنچه می‌بایستی در خدمت رفاه کارگران و دیگر توده‌های زحمتکش مردم می‌شد، صرف هزینه‌های نیروی انگل و سرکوبگر نظامی و تسلیحات می‌شود. این هزینه در حالی به نیروهای نظامی اختصاص می‌یابد که ۸۰ درصد مردم ایران زیر خط فقر زندگی می‌کنند. دستمزد و حقوق کارگران، معلمان، بازنشستگان چنان ناچیز است که به‌دشواری حتی می‌تواند یک‌سوم هزینه‌های روزمره آن‌ها را جبران کند. میلیون‌ها تن در ایران به معنی دقیق کلمه با گرسنگی مداوم زندگی خود را سپری می‌کنند. متجاوز از

ده میلیون تن از کارگران و جوانان بیکارند. اما مشکل به همین‌جا ختم نمی‌شود. همین نظامی‌گری، توسعه‌طلبی و افزایش بودجه ارگان‌های نظامی، منجر به تشدید تضادهای جمهوری اسلامی با برخی رژیم‌های منطقه خاورمیانه و نیز دولت آمریکا شده است که آن‌ها اهداف توسعه‌طلبانه خود را در منطقه دنبال می‌کند. نتیجه این تشدید تضادها سوای تلاش رژیم برای افزایش قدرت نظامی و در نتیجه انداختن بار افزایش هزینه‌های نظامی بر دوش توده‌های زحمتکش، تحریمی‌هایی بوده است که از جانب امپریالیسم آمریکا اعمال‌شده و فشار مضاعفی بر دوش توده‌های کارگر و زحمتکش قرار گرفته است. بنابراین، نتیجه نظامی‌گری جمهوری اسلامی صرفاً انداختن بار هزینه‌های کلان نظامی بر دوش توده مردم نبوده، بلکه یکی از عواقب آن نیز همین تحریمی‌هایی است که اکنون زندگی را بر مردم ایران تحمل‌ناپذیر ساخته است. پس روشن است که تحمیل این هزینه‌های نظامی سنگین به توده‌های زحمتکش فقیر و گرسنه، نتیجه حاکمیت طبقه سرمایه‌دار و رژیم استبدادی پاسدار منافع آن است. در سراسر جهان حتی بسیاری از کشورهای ثروتمند سرمایه‌داری از نمونه سوئد، بلژیک، سوئیس، نروژ در لیست سیبری قرار دارند که هزینه‌های نظامی آن‌ها به نصف هزینه‌های نظامی جمهوری اسلامی نمی‌رسد. جمهوری اسلامی بنا به سرشت طبقاتی و خصلت مذهبی و استبدادی‌اش، مادام که به حیات خود ادامه می‌دهد راه دیگری جز این ندارد که حتی به جایگاه بالاتری در رده‌بندی کشورهایی با هزینه‌های نظامی کلان، صعود کند. کارگران و زحمتکشان ایران نمی‌توانند از شر هزینه‌های نظامی هنگفت کنونی که بر دوش آن‌ها قرار گرفته است، نجات یابند، مگر آنکه به‌پا خیزند، جمهوری اسلامی را براندازند و با استقرار یک حکومت شورایی، قدرت سیاسی را خود به دست گیرند.

هزینه‌های نظامی کلان جمهوری اسلامی، در کشوری با ده‌ها میلیون فقیر و گرسنه

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب: Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان
(اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

kar.fadaianaghaliyat

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 820 May 2019

گزارش ماه مارس این موسسه در مورد حجم نقل و انتقال سلاح در فاصله ۲۰۱۸-۲۰۱۴ نشان می‌دهد که در مقایسه با دوره ۵ ساله قبل از آن، از رشد ۸ / ۷ درصدی برخوردار بوده است و مقصد ۳۵ درصد صادرات این سلاح‌ها، خاورمیانه بوده است. انحصارات تسلیحاتی آمریکائی نقش اصلی را در بازار جهانی صدور سلاح بر عهده‌دارند که سالانه میلیاردها دلار سود از قبل آن به جیب می‌زنند. در دوره ۸ ساله زمامداری اوباما متوسط سالانه ارزش سلاح‌های صادراتی آمریکائی ۳۵ میلیارد دلار بود که با چندین قرارداد کلان جدید در دوران ترامپ، به حدود ۵۰ میلیارد دلار در هر سال رسیده است. در پایان اولین سال زمامداری ترامپ این رقم به ۴۹ میلیارد دلار رسید. پس از آمریکا روسیه

در صفحه ۹

رشد میلیتاریسم و جنگ‌طلبی، رشد تولیدات تسلیحاتی و مبادله محصولات صنعت سودآور آدمکشی، تجاوز و توسعه‌طلبی و برافروختن جنگ‌هایی که در طول یکصد سال اخیر ده‌ها میلیون انسان را قتل‌عام کرده است از واقعیت‌های نظم سرمایه‌داری در دوران امپریالیسم، در دوران زوال و انحطاط این نظم جهانی ناشی می‌گردد. با تشدید تضادها و بحران‌های جهان سرمایه‌داری، به‌ویژه در پی بحران اقتصادی جهانی نیمه اول قرن جدید، نظامی‌گری، افزایش‌های هزینه‌های نظامی و تولید و فروش تسلیحات به مقیاس بی‌سابقه‌ای در حال رشد و گسترش است. گزارش‌های سالانه موسسه تحقیقات بین‌المللی صلح استکهلم (سپیری) این واقعیت را به‌وضوح در افزایش هزینه‌های نظامی و بازار پررونق تسلیحات نشان می‌دهد.



تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

shora.tv@gmail.com

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی "کومله تی‌وی / شورا تی‌وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:

دوشنبه: ۲۲ تا ۲۴

سه‌شنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعدازظهر

چهارشنبه: ۲۲ تا ۲۴

پنجشنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعدازظهر

جمعه: ۲۲ تا ۲۴

شنبه: ۲۲ تا ۲۳

شنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعدازظهر
یکشنبه: بازپخش ۴ بامداد - ۱۰ صبح - ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: Shora.tv@gmail.com، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org>، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی